



سفرهای عجیب و خطرناک مردم با قطار در بنگلادش، عکس روز نشنال جئوگرافی

مسابقه سنتی در فرانسه که افراد باید با کمک دو چوب، اعضای کشتی دیگر را به داخل آب بیندازند، عکس از گاردین



لانه های دیدنی لک ها در مکزیک، عکس از گتی ایمج

دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

عبادت‌ی که تکبر را از بین می برد

حجت الاسلام فرحزاد در بحث اهمیت دعا و تمیز آن از دیگر عبادات گفته اند:انجام همه عبادات خوب است و ما را به مشوق مان نزدیک می کند و به ما آرامش می دهد اما گاهی اوقات ممکن است انجام برخی عبادات، ما را خدای ناکرده دچار اندکی کبر و غرور کند اما وقتی شروع به دعا کردن می کنیم نه تنها ما را بی نهایت آرام می کند بلکه چون در آن اشک می ریزیم و بیچارگی مان را به خدای مهربان نشان می دهیم، تکبر ما هم از بین رفته و ما را هر چه بیشتر خاشع می کند. منبع: تارنمای سمت خدا

داستان های واقعی

راز کلاه بافتنی!

خواهر شهید محمد خسروی درباره صبر برادر شهید نقل می کند:یک کلاه بافتنی مشکي به سر داشت، بعد از این که از جبهه آمده بود، کمتر این کلاه را از سرش در می آورد، کسی هم در خانه چیزی نمی گفت. وضو که می گرفت کلاهش را بلافاصله سرش می گذاشت، برای دومین بار به جبهه رفت، دست راستش به شدت زخمی شده بود، به خاطر این جراحت اش ۱۷ روز در خانه بستری بود. همان ایام بود که ما راز آن کلاه مشکي را فهمیدیم. سرش پر از بخیه بود و از دفعه اول اعزامش کلی جراحت در سرش داشت. مادرم وقتی محمد خواب بود، متوجه شده بود و خیلی دلش سوخته بود. دیدم آهسته گریه می کرد و می گفت: «مادرت بمیرد که با سر مجروح آمدی و رفتی و من نفهمیدم و جوری بر دردت صبر کردی که حتی ما متوجه نشدیم سرت ...»

برگرفته از کتاب: یادمان باشد، گردآوری مهدی شیرزادی

فتو نکته



بریده کتاب

بهترین جمله عاشقانه قرن!

تندیس بهترین جمله عاشقانه قرن را اهدا می کنیم به «بخشید دلت رو شکستم». شبیه این است که یک مرغ بخرد، بکشد، پرهایش را بکنید، تکه تکه اش کنید، توی زعفران و پیاز بخوابانید، به سیخ بکشید، روی منقل بگذارید، بعد که حساسی مغزپخت شد بگذارید لای نان و بخورید. آن وقت بگویید: «بخشید خوردمت مرغ جان!»

برگرفته از «کتاب سرد شدن های یهویی» نوشته ماز یار منتظری

داستانک

رمز تاجر شدن یک فقیر!

روزی مردی تاجر یک دلار در جعبه مقابل پسر بچه فقیری انداخت که مداد می فروخت و با عجله به سمت ایستگاه رفت و سوار قطار شد. اما ناگهان از قطار پیاده شد، برگشت و چند مداد از داخل جعبه پسر بچه برداشت و گفت: «امیدوارم از این کار من بدت نیامده باشد. تو هم مثل من یک تاجری. داری چیزی می فروشی که قیمت اش بسیار عادلانه است.» سپس دوباره با عجله به طرف ایستگاه رفت و سوار قطار بعدی شد. چند سال بعد، در یک مناسبت اجتماعی، مردی بسیار با شخصیت و شیک پوش نزد تاجر رفت و خود را معرفی کرد و گفت: «شاید مرا به خاطر نداشته باشید ولی من هیچ وقت شما را از یاد نمی برم. شما عزت نفس از دست رفته مرا به من بازگردانید. من گدایی بیش نبودم. شما از راه رسیدید و به من گفتید که من هم به نوبه خودم یک تاجر. این حرف شما زندگی مرا تغییر داد.» منبع: سایت ژوان

اندکی صبر

صبح تان امیدبخش!

دروغ ای صبح ای آغاز مستی  
دلت خندان  
تو ای لبخند هستی  
سیاهی های شب را پاک کردی  
تو در  
امیدبخشی چیره دستی  
زهره حسینی



دور دنیا

خواب آور ترین فیلم دنیا!



آدیتی سنترال/ فیلم سازان معمولاً تلاش می کنند تولیداتشان را جذاب تر و سرگرم کننده تر بسازند اما یک شرکت فیلم سازی در انگلیس فیلمی ۸ ساعته به نام «سرزمین بی بع» ساخته است که به شدت خواب آور است. تمام ۸ ساعت این فیلم شامل حرکات آرام گوسفندان در مزرعه و چرای آن هاست و هیچ بازیگر یا حتی صدایی هم ندارد! «پیتر فرید من» تهیه کننده «سرزمین بی بع»، این فیلم را بهترین جایگزین برای قرص های خواب می داند!

عاقبت خوردن ۵۴ بستنی پشت سرهم!



شانگهای نیوز/ مرد ۴۴ ساله چینی که پس از یک روز گرم و طاقت فرسا به خانه برگشته بود، تصمیم گرفت گرمای شدید تابستان را با خوردن بستنی یخی از بدنش بیرون کند. از آن جا که یخچال او پر از بستنی بود، تصمیم گرفت بستنی های بیشتری را امتحان کند اما هرگز فکرش را نمی کرد که با این کار کبدش را در معرض نابودی قرار می دهد! او بعد از خوردن ۵۴ بستنی یخی راهی بیمارستان و به دلیل مشکل شدید کبدی بستری شد! پزشکان احتمال می دهند که کبد او برای همیشه از کار بیفتد!

پسر ۱۰ ساله ای که همیشه گرسنه است!



آدیتی سنترال/ «کادن بنجامین» پسر ۱۰ ساله اهل آفریقای جنوبی همیشه گرسنه است! او هر ساعت به اندازه یک وعده غذایی کامل، غذا مصرف می کند و ۹۰ کیلوگرم وزن دارد! پزشکان اعلام کردند که او دچار نوعی سندروم قابل درمان است که در دنیا حدود ۲۰ هزار نفر با آن دست و پنجه نرم می کنند. این بیماران همیشه گرسنه هستند و از طرفی غذا برای آن ها مثل سم است! چون بدنشان مایهچیه کم و سوخت و ساز پایینی دارد اما همیشه هم برای خوردن اشتها دارند. پزشکان به مادر این کودک هشدار داده اند که اگر رژیم نگیرد، به زودی می میرد!

مردی که تا محل کارش شنا می کند!



آدیتی سنترال/ بیشتر کارمندان شهر مونیخ آلمان با مشکل ترافیک سنگین صبحگاهی مواجه اند و سعی می کنند هر طور شده راهی برای فرار از این ترافیک پیدا کنند. در این بین «بنجامین دیوید» ۴۰ ساله راه جالبی را برای خودش پیدا کرده است! او دو سال است که هر روز صبح ۲ ساعت در رودخانه شنا می کند تا به محل کارش برسد!

بنجامین برای طی کردن این مسیر از دوچرخه استفاده می کرد اما بعد ها به این نتیجه رسید که شنا در رودخانه هیجان انگیزتر و بی خطرتر است!

عجایب دنیا

۴ معمای شگفت انگیز و حل نشده سیاره زمین!

با این همه پیشرفت علم و فناوری، هنوز معماهای زیادی روی زمین وجود دارد که حل نشده و دانشمندان توجیه دقیق علمی برای آن ها پیدا نکرده اند. به گزارش تابناک در ادامه این مطلب، قصد داریم شما را با ۴ شگفتی جهان که هنوز یک معما باقی مانده، آشنا کنیم. با ما همراه باشید.



**آبشار «شعله ابدی» در آمریکا**  
آبشار «شعله ابدی»، آبشاری کاملاً طبیعی است و هیچ عامل انسانی در شکل گیری آن دخالت نداشته است. در قلب این آبشار، شعله کوچکی قرار دارد که در زیر جریان شدید آبشار همچنان به رقص آتشین خود ادامه می دهد و خاموش نمی شود! می گویند علت این پدیده طبیعی شگفت انگیز وجود گاز طبیعی در حفره های سنگ است اما از لحاظ علمی وجود چنین گازی در آن قسمت از آبشار، ثابت نشده است.

**رود ۵ رنگ در کلمبیا**

این رود در همه فصل های سال به جز تابستان رنگ عادی دارد اما در فصل تابستان به پنج رنگ مختلف از جمله قرمز، صورتی، آبی، سبز و زرد در می آید. گفته می شود علت این موضوع گیاهان و جلبک هایی است که درون آن قرار گرفته اند اما بومیان می گویند دلیل چنین رنگی وجود گنجینه های مرجانی در زیر آب است.

این کیه؟

حمید لولایی یا خشایار مستوفی؟!



سلام. ظاهراً مسابقه خیلی آسون بود چون هیچ راهنمایی نکرده بودیم! ۱۰۰ درصد شرکت کنندگان به درستی صاحب چهره پازل شده را تشخیص دادند. «حمید لولایی» که نقش «خشایار مستوفی» اش و «نه غلام» گفتن هایش در سریال زیر آسمان شهر، هیچ گاه از ذهن ها پاک نخواهد شد و این روزها هم در سریال «پنجره» بازی می کند، چهره پازل شده مسابقه بود که ۲۲۷ شرکت کننده مسابقه به درستی موفق به تشخیص او شدند. البته یک نفر از مخاطبان به جای حمید لولایی، خشایار مستوفی نوشته بودند که از شون پذیرفتیم ولی برنده نشدند! برنده مسابقه این هفته مان هم، طبق قرعه کشی آقای «محسن لطفی» ۳۱ ساله هستند که تا قبل از برنده شدن بیش از ۱۰ بار در مسابقه ما شرکت کرده بودند. به امید خدا، عکس و کاریکاتور ایشان چهارشنبه همین هفته همراه با مسابقه بعدی چاپ خواهد شد.

دیروزنامه

کانال اسپویل کنندگان

مدتی است بحث تغییر روش ارائه اینترنت داغ است و قرار است اینترنت به صورت حجمی فروخته نشود و نامحدود باشد تا جایی که معاون وزیر ارتباطات گفت: «فروش اینترنت نامحدود به جای حجمی، این هفته به ارائه دهندگان اینترنت ابلاغ می شود». خبر خوبی برای همه نت بازان» است. هرچند صحبت های دیگری هم شد که همین اینترنت به ظاهر نامحدود، سقف مصرف خواهد داشت و ماده و تبصره هایی هم برایش اعمال خواهد شد. اگر شانس ماست نهانش طوری می شود که هم اینترنت مان گران تر از قبل می شود، هم حجم کمتری بهمان می رسد، هم شرط می گذارند اگر فقط به فلان سایت ها سر بزنید جزو حجم تان حساب نمی شود و اگر به فلان سایت ها بروید علاوه بر این که حجم تان کم می شود، یک مبلغی هم به عنوان حق سایت روی قبض اینترنت تان خواهد آمد! تازه با این بحث و جدلی که بر سر انتقال سروهای تلگرام به کشور است، بعید نیست شرط اینترنت نامحدودمان استفاده نکردن از تلگرام باشد که در صورت استفاده از آن، هزینه و جریمه اش را هم باید جداگانه بپردازیم، آن هم با واحد جدید پولی! با این که اینترنت و تلگرام و این چیزها جای خیلی زیادی در زندگی ما باز کرده است و به آن ها وابسته شده ایم و حتی بعضی کارهایمان هم با آن ها صورت می گیرد، ولی هنوز خیلی ها هستند که اصلاً کاری به این مسائل ندارند و درگیر زندگی خودشان هستند. نمونه شان همان تعدادی که در یکی از شهرها با اکران فیلم «کارگر ساده نیازمندیم» در سینمای شهرشان، فکر کرده اند سینما به کارگر ساده نیاز دارد و به آن جا مراجعه کرده اند. این افراد نه کاری به خبرهای کانال های تلگرامی دارند که کی به کی چه متلکی گفت، نه دنبال عکس ها و کلیپ های فلانی در فلان جا هستند که دوغ می خورد یا سگنجبین و نه نگران این هستند که آیا کیسو برانزده زنده است یا زمستان برگشته یا قباد به حساب فرهاد می رسد یا نه! این ها خودشان یک کانال بر از درد و غم هستند که منتظرند یکی آخر داستان شان را «اسپویل» (لو دادن آخر داستان) کند که آیا کار گیرشان می آید که نتوانند با پیاز کیلویی چهار هزار تومان اشکنه درست کنند یا نه؟! علیرضا کاردار

قصارزاده



درسته یک پایان تلخ  
بتر از تلخی بی پایانه  
اما دلیل نمیشه بار بار  
تلویزیون علیرضا خسته  
رو گذاشت، خاموش  
کنین!

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

\* برای دوچرخه سواری باید حداقل ۳ نفر باشی و گرته خیلی زود خسته و بی خیاالش می شی. اینم به پرونده تون اضافه کنین.  
\* فکر کنم اونی که نوشتن استراحت پشه ها، سنجاقک باشه.  
\* خدایش تعبیر و تفسیر این عکس های دنیا به روایت تصویر رو از کجا در میارید که به جای سنجاقک به اون تابلویی می نویسید پشه؟ به صنف سنجاقک ها برمی خوره آخه! ها، اردتمند شما.  
\* ما و شما: مناسفانه اشتباه شده و آن ها سنجاقک هستند.  
\* کمیک در دسرهای لیگ، دقیقاً همون چیزهایی بود که من باهاش درگیرم!  
\* در قسمت دنیا به روایت تصویر در اون زمین ساخته شده از علوفه، آیاتماشاگری جرئت می کنه نارنجک بندازه وسط زمین؟  
\* پاسخ های مسابقه «چی شده؟» خیلی بهتر از مسابقه «چی میکه؟» بود. لطفاً این مسابقه رو همین جوری ادامه بدین. من تازه یاد گرفتم که باید چی بفرستم!  
\* آقای خوشحال، یک شعر طنز هم برای ما مستاجر ها بگو، لااقل ما هم مثل تو خوشحال بشیم!  
\* به مستاجر پاسخ خفن استرپیپ شماره قبل: آسایش - مبادا - اهل دل